

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش: الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

۰۷ دسمبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۳۰

ترجمه و تفسیر سوره الماعون-۳

خوانندگان محترم!

واقعیت امر اینست که: قرآن عظیم الشان، نماز نخواندن را از خصوصیات کفار دانسته آنجا که می‌فرماید: « وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ » (سوره مرسلات/۴۸). «(چنان از باده غرور سرمست هستند که) وقتی بدانان گفته می‌شود: (در برابر اوامر و نواهی الهی) خضوع کنید و کرنش ببرید خضوع نمی‌کنند و کرنش نمی‌برند! ». و در روز قیامت آنان را اینگونه توصیف می‌کند: « يَوْمَ يَكْتُفُ عَن سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَبِيعُونَ، خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهُفُهُمْ ذَلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ». (روزی، هول و هراس به اوج خود می‌رسد، و کار سخت دشوار می‌شود. بدین هنگام از کافران و مشرکان خواسته می‌شود که سجده کنند و کرنش ببرند، اما ایشان نمی‌توانند چنین کنند. این در حالی است که چشمانشان (از خوف و وحشت و شرمندگی و شرمساری) به زیر افتاده است، و خواری و پستی وجود ایشان را فرا گرفته است. بیش از این نیز (در دنیا) بدان گاه که سالم و تندرست بودند به سجده بردن و کرنش کردن خوانده می‌شدند (و ایشان با وجود توانائی، سجده و کرنش نمی‌کردند). ».

از نظر قرآن زمانی انسان از مصونیت جان خویش برخوردار خواهد بود و تحت لوای اخوت اسلامی در خواهد آمد، که از شرک توبه کند و نماز را برپای دارد و زکات را بپردازد. خداوند درباره مشرکان و کافران حربی می‌فرماید: «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».

«اگر توبه کردند و (از کفر برگشتند و به اسلام گرویدند و برای نشان دادن آن) نماز خواندند و زکات دادند، (دیگر از زمره شماینند و ایشان را رها سازید و) راه را بر آنان باز گذارید. بیگمان خداوند دارای مغفرت فراوان (برای توبه‌کنندگان از گناهان)، و رحمت گسترده (برای همه بندگان) است. ».

و بعد از آن می‌فرماید: «فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ فِي الدِّينِ وَتُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اگر آنان (از کفر) توبه کردند و (احکام اسلام را مراعات داشتند، و از جمله) نماز را خواندند و زکات دادند (دست از آنان بردارید، چرا که) در این صورت برادران دینی شما هستند (و سزاوار همان چیزهایی بوده که شما سزاوارید، و همان چیزهایی که بر شما واجب است، بر آنان هم واجب است). ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت بیان می‌کنیم و شرح می‌دهیم.)

قرآن تصویری از سیمای آخرت را برای ما ترسیم می‌کند که کافران و ستمگران در دوزخ‌اند، و مؤمنان اصحاب‌الیمین از آنان می‌پرسند:

«مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ، وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمُسْكِينِ، وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ، وَكُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ» (چه چیزی شما را در آتش دوزخ درآورد؟ گویند: از نمازگزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی‌دادیم، با هرزه‌رایان هرزه‌درائی می‌کردیم و روز جزاء را دروغ می‌شمردیم.)

نخستین نمودِ جرم و کفر آنان این بود که از نمازگزاران نبودند. هرگاه به سنت نبوی مراجعه نماییم، احادیث صحیح نبوی را می‌یابیم که کافرشدن نماز نخوان را تأیید می‌کند.

در حدیثی از معاذ بن جبل روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم خطاب به وی فرمود: «لَا تَتْرُكِ الصَّلَاةَ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ بَرِنَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ» (نماز را عمدتاً ترک مکن که هرکس به طور عمد نماز را ترک کند، خداوند متعال تعهدی در قبال او نخواهد داشت.) طبرانی به سند خود در معجم اوسط این حدیث را روایت کرده و منزری در متابعات گفته است: قابل قبول است.

از عبدالله بن عمر روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم روزی درباره نماز فرمود: «هرکس بر نماز محافظت کند نماز برای او نور و برهان و نجات در روز قیامت خواهد شد و هر کس بر آن محافظت ننماید هیچ نور و برهان و نجاتی برای او نیست و در روز قیامت همراه فرعون و هامان و ابی‌بن‌خلف خواهد بود.» احمد بن حنبل این حدیث را روایت کرده و هیثمی گفته است: رجال آن موثق می‌باشند.

حکم ابن قیم (رح) در مورد تارک نماز:

شیخ ابن قیم دمشقی از مولید (۶۹۱) هجری در دمشق در مورد تارک نماز می‌فرماید: «هرکس به سبب سرگرمی به سیاست و امارت نماز را ترک کند، با فرعون محشور خواهد شد و هرکس به سبب سرگرمی به مال و دارائی نماز را ترک کند، با قارون محشور خواهد شد و هرکس که پست و مقام او را از نماز باز دارد، با هامان محشور خواهد شد و هرکس به سبب سرگرمی به تجارت نماز را ترک کند با ابی‌بن‌خلف محشور خواهد شد.»
وقتی کسانی که بر نماز محافظت می‌نمایند، با این کافران ستمگر محشور شوند، در حالی که عذاب آنان در دوزخ بسیار شدید است، پاداش کسانی که به‌طور کامل نماز را ترک کنند، و یک عمر رکوع یا سجودی به درگاه خداوند نبرده باشند، چگونه است؟

و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «مَنْ تَرَكَ صَلَاةَ الْعَصْرِ حَبِطَ عَمَلُهُ» (احمد و بخاری و نسائی از بریده روایت کرده‌اند.) «هرکس نماز عصر را ترک کند باعث از میان رفتن و حبط اعمال او می‌گردد.»
وقتی که ترک یک نماز باعث از میان رفتن و حبط اعمال می‌گردد، کسی که همه نمازها را ترک کند مجازات او چگونه است؟

قرآن منافقان را برای ما چنین معرفی می‌کند که وقتی آنان برای نماز می‌ایستند با تنبلی و کسالت می‌ایستند. حال کسان که نه با نشاط و نه با تنبلی به نماز می‌ایستند، چگونه خواهد بود؟

همچنان هیچ یک از صحابه راجع به تکفیر کسی که نماز را عمدتاً ترک کند و یا خارج از دین قلمداد کردن چنین کسی مخالفت ننموده است.

ترمذی از عبدالله بن شقیق (رض) به سند صحیح روایت می‌نماید که او گفته است:

یاران رسول الله صلی الله علیه وسلم ترک هیچ عملی را به جز نماز کفر نمی‌دانستند. عبارت راوی بیانگر این است که صحابه (رض) همگی در این مسأله اتفاق نظر داشتند، به همین خاطر این نقطه نظر را به یکی از اصحاب به‌طور مشخص و معین نسبت نداده است.

همچنین، علمای دین و اصحاب حدیث نظر اصحاب کرام، تابعین و فقهاء را بشرح بیان داشته است:

حضرت علی (رض) فرموده است: هر کس نماز نخواند کافر است.

ابن عباس روایت فرموده اند که: هر کس نماز را ترک کند کافر است.

همچنان از ابن مسعود روایت شده است که هر کس نماز را ترک کند بی‌دین است.

حکم جابر بن عبد الله (رض) در مورد تارک نماز: جابر بن عبد الله (رض) باتمام صراحت حکم نموده است که هر کس نماز نخواند کافر است.

ابودرداء می فرماید: کسی که نماز نخواند ایمان ندارد، و نیز نماز را ادا نکرده است کسی که وضوء ندارد. از ایوب سختیانی روایت شده است که می‌گوید: در این که تارک نماز کافر است اختلافی نیست. حافظ منذری پس از ایراد و بیان این روایات و شیوه‌های پیشینیان می‌گوید: جماعتی از اصحاب از جمله عمر بن خطاب، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عباس، معاذ بن جبل، جابر بن عبدالله و ابودرداء (رضی الله عنهم) و از غیر اصحاب، احمد بن حنبل، اسحاق بن راهویه، عبدالله بن مبارک، نخعی، حکم بن عتیبه، ایوب سختیانی، ابوداود طیالسی، ابوبکر بن ابی‌شیبه، زهیر بن حرب و دیگران (رحمهم الله تعالی) گفته‌اند: هر کس عمداً نماز را ترک کند تا وقت آن سپری گردد، کافر است. (الترغیب والترهیب، جلد ۱، کتاب الصلاة، فصل الترهیب، (من ترک الصلاة عمداً).

حکم امام ابن‌تیمیه در مورد تارک نماز:

شیخ ابن تیمیه (رح) می فرماید: نباید بر تارک نماز سلام کرد و نباید مهمانی او را قبول کرد ... همچنین، جایز نیست که پدر، دختر خود را به همسری شخص بی‌نماز درآورد؛ زیرا شخص بی‌نماز در حقیقت مسلمان نیست و شایستگی ازدواج با دختر مسلمان را ندارد و نمی‌تواند در نگهداری و سرپرستی او و فرزندان او امین باشد. و نیز جایز نیست که صاحبان مؤسسه‌ها و فابریکه‌ها، اشخاص بی‌نماز را به حیث کارمند مقرر نمایند، زیرا چنین عملی به عنوان اعانه به معصیت تلقی می‌گردد و کسی که حقوق پروردگاری را که خالق و رازق اوست تباه گرداند، حقوق بندگان را به مراتب بیشتر اهمال و تضییع خواهد کرد.

با این ترتیب، مسؤولیت جامعه در مقابل این فریضه الهی که به عنوان ستون و پایه دین به‌شمار می‌آید، واضح و روشن خواهد شد، نماز فریضه‌ای است که ترک آن برای هیچ کس جایز نیست مگر آن که به چنان مریضی سختی مبتلا شود که فاقد هوش و اختیار گردد، و درک فرمان الهی برای او دشوار گردد؛ در غیر این صورت امراض دیگر حتی اگر منجر به قطع اندامهای شخص گردند یا او را زمین‌گیر یا فلج گردانند، نماز از او ساقط نخواهد شد.

شریعت خطاب به مریض می‌گوید:

به هرطوری که می‌توانی تطهیر کن و وضوء بگیر، آن اندازه که در توان داری نماز بگزار و نماز را هیچ‌گاه ترک نکن، با آب وضوء بگیر، اگر آب نیافتی با خاک پاک تیمم کن. ایستاده نماز را ادا کن و اگر نتوانستی به‌صورت نشسته و اگر باز نتوانستی به پهلو یا به پشت خوابیده، با اشاره سر یا ابرو، نماز را بخوان. همچنان که خداوند متعال می‌فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن/۱۶) (تا آنجا که می‌توانید از خدا پروا بدارید).

جامعه در برابر انجام این فریضه، مسؤولیت دارد، به خصوص حاکم مسؤولی نسبت به رعیت و زیردستان همچون پدر نسبت به فرزندان کوچک یا شوهر نسبت به همسر، مسؤولیت دارد.

پروردگار با عظمت ما در این باره می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (سوره طه/۱۳۲). (و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش، ما از تو جویای روزی نیستیم ما به تو روزی می‌دهیم و فرجام نیک برای پرهیزگاری است).

همچنان خداوند متعال می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ » (سوره - تحریم/۶). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و اهل تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید) وقتی که شوهر اهتمام و توجه خاصی به همسر خود دارد و دوستدار اوست، همچنین پدر که نسبت به فرزندان خود عشق می‌ورزد و برای آنان دلسوزی می‌کند، باید همواره بکوشد تا آنان را از آتش دوزخ مصون نگاه دارد، و آنان را نسبت به اطاعت و عبادت پروردگار که مهمترین زمینه آن اقامه نماز است، دستور دهد.

حکم شیخ ابن باز رحمه الله در مورد تارک نماز:

شیخ ابن باز طی فتوایی تارک نماز را کافر می‌داند و حتی ایشان کسی را که عمداً یکی از نمازهایش را به تأخیر بیندازد نیز کافر می‌داند. (برای معلومات مزید مراجعه شود: به «فتاوی اللجنة» (۴۰،۵۰/۶).

چنان که برخی دیگر از اهل علم بر این رأی هستند که چنان که کسی مدام و بدون وجود عذر شرعی نمازی را فوت نماید به گونه ای که وقت آن نماز گذشته و به نماز بعدی برسد، پس او کافر شده است و گذشت وقت نماز یعنی این که نماز ظهر را تا وقت غروب، و نماز مغرب را تا بیندازد. (و این حکم به دلیل وجود احتمال جهت جمع کردن نماز است) و از جمله علمای سلف که بر این رأی هستند: محمد بن نصر المروزی و عبدالله ابن مبارک رحمهما الله هستند. لذا بر اساس این قول کسی که مثلاً فقط نماز جمعه می‌خواند یا فقط ماه رمضان نماز می‌خواند یا این که روزی نماز می‌خواند و روزی دیگر نماز نمی‌خواند (حتی اگر منکر وجوب نماز نیز نباشد) کافر است.

حکم شیخ محمد بن صالح العثیمین در مورد تارک نماز:

شیخ عثیمین با تأیید فتوای حکمی که در فوق از آن یادآوری نمودیم در جای دیگری: تارک نماز دائمی را کافر می‌داند، بدین معنی که اگر کسی همیشه و دائم تارک نماز باشد کافر است و این خلاف رأی فوق است، بر اساس این رأی کسی کافر است که به طور مطلق تارک نماز باشد.

و این رأی شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله نیز است و ایشان گفته اند که اگر کسی نمازی را می‌خواند و نمازی را ترک می‌کند، چنان که در قلب خود چنین نیت داشته باشد که به طور کلی نماز را ترک خواهد کرد، او باطناً کافر شده است یعنی کفری که الله تعالی بدان خبر دارد و بین او بین الله تعالی است. (مجموع الفتاوی (۴۹/۲۲)، (۶۱۵/۷)، و «شرح العمدة» (۹۴/۲).

و شیخ ابن عثیمین نیز بر همین رأی هستند چنان که می‌گویند: « آنچه که از ادله این امر ظاهر می‌شود اینست که تارک نماز کافر نیست مگر این که او نماز را دائمی ترک کند، بدین معنی که او نفس خود را بر ترک نماز قرار دهد، و او نماز ظهر نمی‌خواند و نیز نماز عصر و مغرب و عشا و صبح نمی‌خواند، در این وضعیت شخص کافر است. ولی اگر او در شبانه روز یکی یا دو فرض نماز را بخواند کافر نمی‌شود، زیرا نسبت به او گمان نمی‌رود که قصد ترک نماز را داشته باشد در حالی که پیامبر صلی اله علیه وسلم می‌فرمایند: « بین الرجل وبين الشرك والكفر ترك الصلاة »

مابین شخص مسلمان و شرک و کفر، ترک نماز است. و ایشان نفرمودند (ترك صلاة) یعنی نفرمودند ترک هر نمازی باعث کفر است. («صلاة» نکره است). (انتهی من «الشرح الممتع» (۲/۲۶)).
البته به طور شفاهی از جناب شیخ ابن عثیمین در مورد حکم کسی که در هفته فقط نماز جمعه می خواند می پرسند و ایشان جواب می دهند که؛ ظاهر این اشخاص کافر می شود زیرا او از سی و پنج نماز که در هفته به عنوان واجب وجود دارد، فقط یک نماز خوانده و این در برابر نمازهای یک هفته قلیل و اندک است و به کسی که فقط یک نماز در طول هفته می خواند نماز خوان گفته نمی شود بلکه او تارک نماز است.

حکم شیخ ناصرالدین البانی در مورد تارک نماز:

شیخ ناصرالدین الالبانی با تأیید نظریات سایر علماء تارک نماز را در صورتی که منکر وجوب نماز باشد کافر می داند و ایشان بر این رأی هستند که در تمامی عبادات واجب مادامی که شخصی منکر وجوب آنها باشد کافر می شود و فرقی نمی کند که آن عبادت واجب نماز باشد یا روزه یا زکات و یا عبادت واجب دیگری، و ایشان کسی که از روی سستی تارک نماز است ولی به گناه خود اقرار دارد را تکفیر نمی کنند و ایشان می گویند به کسی که تارک نماز است می گوئیم: آیا از نظر تو نماز واجب است یا خیر؟ اگر گفت آری واجب است پس او را نمی توانیم تکفیر نمائیم زیرا او به نماز اعتقاد و ایمان دارد هر چند تارک نماز است و به سبب آن خود را مشمول عذاب سختی کرده است ولی او کسی است که شهادتین را بر زبان جاری ساخته و به شرائع اسلام ایمان دارد. ولی اگر گفت که نماز را واجب نمی دانم قطعاً او کلمه کفری گفته و او کافر است.

نتیجه کلی در مورد تارک نماز:

برخی از علماء حتی ترک یک نماز را از روی عمد باعث کفر تارک می دانند و برخی دیگر از علماء کسی را که مطلقاً نماز نمی خواند و تارک نماز دایمی است را کافر می دانند ولی برخی دیگر از علماء کسی را که منکر وجوب نماز باشد را کافر دانسته ولو این که تارک نماز باشد و البته به نظر می رسد رأی دوم (ابن عثیمین) به ثواب نزدیکتر باشد.

اما از شخصی که منکر وجوب نماز نباشد یا نماز را خوار و سبک نداند، در این صورت با ترک نماز یا کافر مرتد است همانگونه که ظاهر احادیث و ظاهر فتوای اصحاب و دیگران بیانگر آن است، یا فاسق و دور از خدا محسوب می گردد.

بالاترین حد تخفیف درباره شخص بی نماز فاسق به حساب آوردن اوست به گونه ای که هر لحظه بیم کفر از او می رود و شکی نیست در این که بعضی از گناهان منجر به بعضی از گناهان دیگر می شوند، همچنان که گناهان صغیره منجر به گناهان کبیره، و کبائر منجر به کفر می گردند.

بنابراین بر انسان مسلمان واجب است که به درون خود مراجعه نماید و در پیشگاه پروردگار توبه کند و به تصحیح دین خود بپردازد و بر اقامه نماز تصمیم بگیرد. همانطور که بر دینداران واجب است که با اشخاص بی نماز مصرّ بر ترک نماز، پس از نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، قطع رابطه و ترک معاشرت متداول نمایند.

یادداشت ضروری:

به هر حال بر مسؤولین امر واجب است که شخص بی نماز را وادار به توبه نمایند و با حکمت حکم پروردگار و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم و فواید نماز را برایش توضیح و تشریح نماید ، اگر شخص متذکره توبه کرد کاری به او نداشته باشند . ولی اگر با آنها لجاجت و بر انکار نماز تأکید بدارد مطابق حکم اسلامی توسط محکمه اسلامی آن را بقتل برسانند .

در مورد این که با اشخاصی که تارک نماز هستند، روابط صلۀ رحمی قائم گردد و یا آن هم قطع گردد ، علماء می فرمایند که با ایشان نباید روابط صلۀ رحمی قطع گردد ، باید با روابط با ایشان ادامه داد و با استفاده از موعظه حسنه، ایشان را به ادای نماز دعوت نمود .

حکم شرعی است که باید به همچو اشخاص دعوت و نصیحت صورت گیرد و ایشان از عقوبتهای اخروی ترسانیده شوند ، شاید که توبه کنند و دوباره به راه مستقیم هدیت گردند .
صدق الله العظيم و صدق رسوله نبی الکریم .

فهرست:

معلومات مؤجز

اسباب نزول

ترجمه مؤجز

خلاصه تفسیر

محتوای کلی سوره ماعون

تفسیر مؤجز

حکم تارک نماز در اسلام

حکم تارک نماز نزد امامان اهل سنت و جماعت

حکم امام مالک و امام شافعی در مورد تارک نماز

حکم شیخ عثیمین در مورد تارک نماز

حکم امام ابوحنیفه در مورد تارک نماز

حکم امام احمد در مورد تارک نماز

حکم امام شعرانی در مورد تارک نماز

حکم شیخ حبیب بن عبد الله در مورد تارک نماز

حکم ابن قَیم (رح) در مورد تارک نماز

حضرت علی (رض) فرموده است

ابودرداء می فرماید

حکم امام ابن تیمیه در مورد تارک نماز

حکم شیخ ابن باز رحمه الله در مورد تارک نماز

حکم شیخ محمد بن صالح العثیمین در مورد تارک نماز

حکم شیخ ناصر الدین البانی در مورد تارک نماز

نتیجه کلی در مورد تارک نماز

منابع و مأخذ عمده:

- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم (تألیف شیخ حسنین محمد مخلوف و اسباب نزول علامه جلال الدین سیوطی ترجمه از عبد الکریم ارشد فاریابی
- تفسیر انوار القرآن - نوشته: عبدالرؤف مخلص هروی
- فیض الباری شرح صحیح البخاری داکتر عبد الرحیم فیروز هروی
- تفسیر طبری - امام المفسرین
- تفسیر المیزان
- تفسیر پرتوی از قرآن
- تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر (متوفی سال ۷۷۴ هـ)
- مفردات الفاظ القرآن، از راغب اصفهانی
- جلوه های از اسرار قرآن حکمتیار
- تفسیر معارف القرآن مؤلف حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا محمد یوسف حسین پور
- تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ)
- تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل
- تفسیر کابلی (تألیف: شیخ محمود الحسن دیوبندی مترجم: هیأتی از علمای افغانستان)
- صحیح مسلم
- صحیح البخاری